

تهمینه

گاهنامه مستقل فرهنگی و اجتماعی تهمینه
سال اول، شماره اول | فروردین ۱۳۹۷ | شماره مجوز: ۹۶۲۲۷
صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: سارا نوری
طراح صفحه آرا: حسین فکور یکتا

تهمینه چه می گوید...
تهم به اضافه ی نیه به معنای بانوی قدرتمند و اما قدرت تهمینه در چه بود؟

ما در تهمینه از یک بانو سخن به میان می آوریم این زن نماد تکامل است فردوسی از او به تکامل یاد می کند و ما نیز قصد داریم از تکامل سخن به میان آوریم.

در شاهنامه فردوسی از قهرمان افسان ایی به نام رستم یاد شده است که هیچ چیز توان ایستادگی در مقابل او را ندارد و تنها کسی که رستم را به زانو در می آورد تهمینه است.

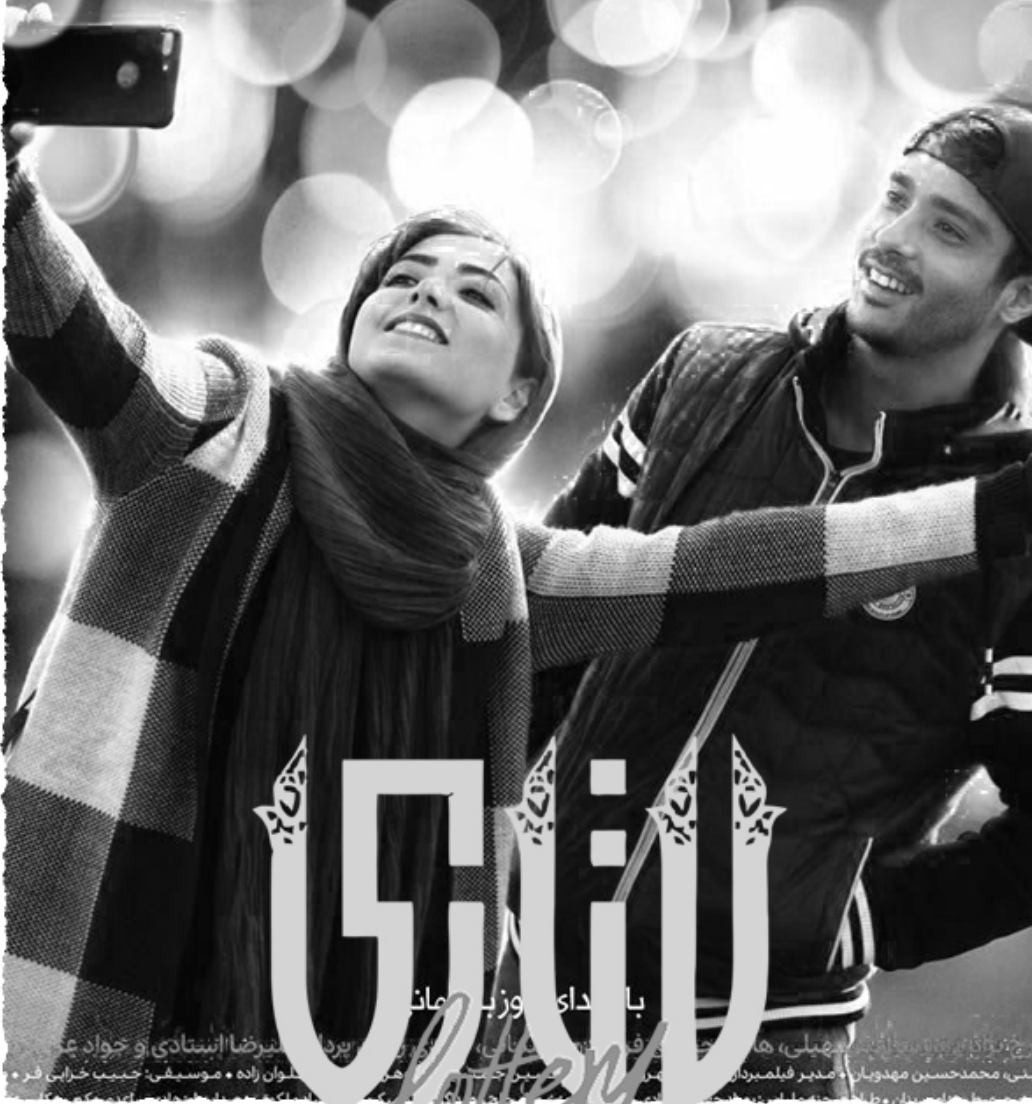
تهمینه پیامی دارد با این مضمون که نشایست دختران فردوسی از برابری و برتری با توجه به جنس دیگری سخن بگویند

زیرا بانو تنها با نظر به ذات مقدس خودش شایسته ستایش و بزرگداشت است و نیازی ندارد برای اثبات عظمتش به مقایسه متصل شود. تهمینه در اولین بهار عمرش از او تکامل و عظمت جایگاه زن سخن می گوید

از اینکه بانوی شرقی همیشه نشانه ی عفت و پاکدامنی بوده و همین امر بزرگی آوازه اش را در دنیا سبب شده است تهمینه از بازگشت به اصل سخن می گوید.

تهمینه
به ارزش وجودی
یک بانو

خواهد پرداخت ...



با آرزوی
Lottery

سازنده: سارا نوری | مدیر مسئول: سارا نوری | سردبیر: سارا نوری | طراح صفحه آرا: حسین فکور یکتا
معاونان: سارا نوری، سارا نوری، سارا نوری | مشاوران: سارا نوری، سارا نوری | ناشر: سارا نوری
پخش: سارا نوری | توزیع: سارا نوری | چاپ: سارا نوری | طراحی: سارا نوری | عکاس: سارا نوری
موسیقی: سارا نوری | گرافیک: سارا نوری | تبلیغات: سارا نوری | روابط عمومی: سارا نوری
سازمان: سارا نوری | دفتر: سارا نوری | آدرس: سارا نوری | تلفن: سارا نوری | وبسایت: سارا نوری

زیبا در لاتاری چه می گوید؟

آیا اصلا دید درستی نسبت به شرایط زندگی و کاری یک مدل لباس در یک کشور عربی وجود دارد؟

سوال بعدی این است که چرا هیچ وقت این آسیب بزرگ اجتماعی مورد بررسی قراره نمی گیرد و کسی به فکر راه حل و تدبیر اندیشی برای آن نیست؟

یا حتی اگر اتفاقی هم مرتبط با حل این آسیب اجتناعی افتاده به سرانجام نرسیده؟

شاید بهتر است ابتدا قبول کنیم به هر حال این واقعه ی درد ناک طیف نه چندان وسیعی از کشور ما را تحت و شعاع قرار داده و در حال حاضر باید راجع به آن تدبیر اندیشی شود و این تدبیر اندیشی حتی می تواند توسط فعالین اجتماعی و دغدغه مندان همین دانشگاه صورت بگیرد عده ای از دانشجویان روانشناسی و جامعه شناسی گرد هم بیایند و با کمک گرفتن از اساتید خود به طرح مسیله و حل آن بپردازند.

با قربانیان این حادثه مصاحبه شود و داستان هایشان شنیده شده و به حل ریشه ای مشکل پرداخته شود و کتاب هایی برای پیش گیری از این واقعه در دست پدران و مادران و جوان ها قرار گیرد.

با امید روزی که به این ناهنجاری اجتماعی به شکل دقیقی نگاه شود و همگی به فکر رفع این مشکل اجتماعی باشند .

اگر بخواهیم به تحلیل نقش نوشین یا همان زیبا کرمعلی بپردازیم می توان نوشین را نماینده ی طیف کثیری از دخترانی که به دبی برده می شوند و مورد هر آزار و اذیتی قرار می گیرند بدانیم .

دخترانی که هر کدام با یک نوی وعده گول می خورند و از وطن و خانواده شان جهنمی می سازند و در آرزو یک بهشت قدم به دبی می گذارند تا بلکه آنجا بتوانند کاستی هایشان را جبران کنند ولی به محض خروج با یک گول چند سر مواجه می شوند غولی که تمام دار و ندار آن ها می بلعد اگر زمانی کتابی از گفته های دخترانی که از دبی بازگشته اند تهیه شود حتما نادانسته های زیادی را خواهیم شنید .

اما سوالی که مطرح است و در لاتاری هم به آن پرداخته می شود چرا هیچ کس از این واقعه ی درد ناک سخنی به میان نمی آورد ؟ در ابتدا امر باید دانست چه تبلیغاتی باعث می شود این طور سیاه نمایی شود که مدل لباس شدن در کشوری عربی بهتر از زندگی در میان خانواده ای هرچند فقیر در کشور خومان است ؟

معرفی کتاب

چندی پیش در سال شاعر نام آشنا ادب معاصر ایران فاضل نظری سومین دفتر خود را با نام کتاب منتشر کرد یکی از اشعار منتشر شده در این دفتر تهمینه نام دارد که به مناسبت اولین شماره نشریه به تفسیر کوتاهی راجع به بیتی که در آن از تهمینه نام برده شده خواهم پرداخت. یادت نرود با دلم از کینه چه گفتمی!

زیر لب از آن کینهء دیرینه چه گفتمی؟

این دست وفا بود، نه دست طلب ای دوست!

اما تو، به این دست پر از پینه چه گفتمی؟

دل، اهل مکدر شدن از حرف کسی نیست

ای آه جگرسوز! به آینه چه گفتمی؟

از بوسهء گلگون تو خون می چکد ای تیرا!

جان و جگرم سوخت! به این سینه چه گفتمی؟

از رستم پیروز همین بس که بپرسند:

از کشتن سهراب به تهمینه چه گفتمی

در این بیت می خواهد ارزشمندی عشق را به نمایش بگذارد و بگوید آنچه در چشم ها شاید پیروزی به باشد در عالم عاشقی رنگ و بویی متفاوت پیدا میکند و در اصل با مثالی بسیار زیبا به یک مفهوم عارفانه عاشقانه اشاره دارد و اینکه دنیا از دریچه نگاه یک عاشق بسیار متفاوت است از آنچه در عالم واقع می شود و برای نابودی رستم که به ظاهر بر سهراب پیروز شده همین که متوجه شود فرزند خودش و تهمینه را کشته بس است.

و حتی می توان عمق نگاه شاعر را این طور تفسیر کرد که برای رستم شرمندگی شکستن دل معشوقش حتی از غم از دست دادن فرزندش آن هم به دست خودش سنگین تر است و جادوی عشق این پیروزی به ظاهر بزرگ را برای رستم به تلخ ترین واقعه تبدیل خواهد کرد .

آنچه در این بیت کم نظیر به آن پرداخته شده عظمت عشق رستم به تهمینه است.



لاتاری چیست؟

به گزارش گروه رسانه های خبرگزاری تسنیم، لاتاری از جمله فیلم های مهم جشنواره امسال است. اما دلیل این اهمیت فقط کیفیت ساختاری و تکنیک و هوشمندی کارگردان این اثر- محمدحسین مهدویان- نیست. کارگردانی که از قضا کار حرفه ای خود را با یک فیلم و مجموعه تلویزیونی با نام آخرین روزهای زمستان آغاز کرد. لاتاری از آن نظر فیلم مهمی است که حاضر شده است علمدار جریانی باشد که در آن مفاهیم اخلاقی، دینی و انسانی، حتی بیش از تکنیک و فرم اهمیت دارد. جریانی که می خواهد با تجهیز به علم از فرم گرایی محض روگردان شود و اهمیت روایت مفهومی را گوشزد کند.

شاید حمایت هدفمند جشنواره های خارجی از این نگاه هم در نفوذ آن میان مردم و ماندنشان تا همین امروز هم بی تاثیر نبود. در این میان محمد حسین مهدویان که آثار جسورانه او توانسته بود برگی از رشادتهای شهید متوسلیان و شهید باقری و نیز ماجرای نیمروز و جنایت های منافقین را به تصویر بکشد اینبار علم غیرت برداشت و تلاش کرد تا با یک فیلم قصه گوی قهرمان پردازانه مقابل این نگاه قرار گیرد. لاتاری در سالهای پایانی دهه ۹۰ دوباره چراغ حمایت از مفهوم غیرت و غیرتمندی را روشن کرده و آشکارا مقابل جریانی قرار گرفته است که غیرت را مفهومی قدیمی و مرده می دانند. جریانی که بی شک به هر بهانه سینمایی و غیرسینمایی مقابل این فیلم قرار خواهد گرفت و با چنگ انداختن به ریسمان امنیت ملی و نشان دادن چهره خشن از کشور و نسبت دادن قهرمانها به دوره قیصر و... تلاش خواهند کرد تا سکه این پایمردی را از اعتبار بیندازند. هرچند جامعه ایران همواره به مفاهیم انسانی از جمله «غیرت منطقی و دینی» گرایش داشته و حتی نسبت به آن متعصب بوده است.

شرح داستانی تهمنه و رستم در شاهنامه

می کند .

استقبال از قهرمان در اینجای داستان است که فردوسی می گوید:

چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت بر زین گهی زین به
پشت

شاه سمنگان از ورود رستم باخبر می شود و به استقبال او می آید. او را مهمان قصر خود می کند و به او اطمینان می دهد که رخس را پیدا خواهند کرد. بعد هم برای استراحت و خواب او، مکانی آرام و شاهانه به او می دهند تا این که نیمه های شب در خوابگاه رستم گشوده می شود:

در شاهنامه ی فردوسی زنان بسیاری وجود دارند که فردوسی از آنها به نیکی یاد کرده است اما تعداد زنانی که بیشتر مردم اسم آنها را می دانند و با آنها آشنایی نسبی دارند، کم است.

تهمنه یکی از این کمتر زنان شاهنامه است که مردم او را می شناسند و هرچند به طور کامل داستان زندگی او را ندانند ولی علاقه ی بزرگترین قهرمان شاهنامه، یعنی رستم، به او باعث شده است در بین مردم کشور ما از محبوبیت خاصی برخوردار باشد. این جا به اختصار داستان او و رستم را شرح خواهیم داد.

شروع داستان

تهمنه، دختر شاه سمنگان همان زنی است که در شاهنامه، نامش به رستم گره خورده است؛ همان زنی که مادر فرزند یگانه ی رستم، سهراب است. ماجرای دلدادگی تهمنه به رستم هر چند داستانی طولانی در شاهنامه نیست، اما با این حال باز هم لطف خود را دارد و مرور آن شیرین است.

ماجرا از این قرار است که یک روز رستم دلش می گیرد و برای تغییر ذائقه ی خود سوار بر رخس راهی شکار می شود. او نزدیکی شهر سمنگان چند گورخر را شکار می کند و می خورد. بعد برای رفع خستگی زین را از روی رخس برمی دارد تا بتواند به راحتی در صحرا چرا کند و خودش نیز به خواب می رود.

عده ای از سربازان و مردم شهر سمنگان که در آن حوالی بودند، برای آن که از رخس رستم کراهی به دست آورند، رخس را به هر زحمتی با کمند می گیرند و می برند. رستم که از خواب بیدار می شود، هر چه می گردد رخس را پیدا نمی کند. بسیار غمگین و ناراحت زین اسب بر پشت خود گذاشته و به سمت شهر سمنگان حرکت



کس از پرده بیرون ندیدی مرا
نه هرگز کس آوا شنیدی مرا

سپس می‌گوید از هر کسی وصف
پهلوانی‌ات را شنیده‌ام و ندیده
عاشق تو شده‌ام و بدان که من
عقل را فدای عشق تو کرده‌ام و از
خدای جهان آرزو دارم از تو فرزندی
به من عطا فرماید که مانند تو
باشد. از این گذشته من آمده‌ام که
مژده‌ی یافتن رخسار را به تو بدهم.
رستم وقتی این سخنان را از تهمینه
شنید، موبدی را برای خواستگاری
تهمینه از پدرش فرستاد.
پادشاه سمنگان از این وصلت
بسیار شادمان بود و بزرگان و
پهلوانان سمنگان همه به رستم
تبریک گفتند و جشن و شادمانی
بزرگی به افتخار عروس و داماد برپا
کردند:

بدانست رستم که او برگرفت
و تهمتن به دل مهرش اندر گرفت

یکی بهره از تیره شب در گذشت
شاهنگ بر چرخ گردان بگشت

سخن گفتن آمد نهفته به راز
در خوابگه نرم کردند باز

اولین دیدار و ازدواج

رستم ابتدا
خود را به
خواب می‌زند،
اما تهمینه آرام
شروع به سخن
گفتن می‌کند. در آن هنگام رستم
چشم باز می‌کند و از او می‌پرسد که
تو کیستی؟ تهمینه پاسخ می‌دهد:

چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام
تو گویی که از غم به دو نیمه‌ام

یکی دخت شاه سمنگان منم
ز پشت هژبر و پلنگان منم

به گیتی ز خوبان مرا جفت نیست
چو من زیر چرخ کبود اندکی ست

گاهنامه مستقل
فرهنگی و اجتماعی تهمینه

صاحب امتیاز، سردبیر و

مدیرمسئول: سارا نوری

صفحه آرا: حسین فکور یکتا

شماره مجوز: ۹۶۲۲۲۹

راه های ارتباطی:

سامانه سند:

sanad.um.ac.ir/Tahmine

نشریه دانشجویی تهمینه،
به عنوان نشریه مستقل بی
صبرانه منتظر انتقادات و
پیشنهادات شماست.

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

انبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

استاد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشجویی

لیست نشریات فعال

در سایت سند • sanad.um.ac.ir

آرشیو بروز نشریات دانشجو

شجویی دانشگاه فردوسی مشهد